



تولید و تولیدکننده آثار علمی و ادبی و هنری باشد ولی توقع آثار مناسب و سیراب کننده روح تشنه جامعه بخصوص اهل فکر جوانان را باید از جاهای دیگر داشت.

نکته دیگری که در امر توسعه فرهنگی و نسبت آن با کتابخانه‌های عمومی درخور توجه است اینکه کتابخانه‌ها می‌توانند مهمترین واسطه میان ذهن جستجوگر و پژوهنده با جریان پدیده و گسترده علم و فرهنگ باشند که در جهان وجود دارد و از این

● ما در صدد استقرار درست نظام دینی هستیم و دین با حب و دلدادگی نسبتی استوار دارد.

● باید سنت‌های ارزنده وقف و انفاق و خیرات و میراث به سوی ایجاد مراکز فرهنگی و اجتماعی از جمله کتابخانه سوق داده شود.

نقطه نظر باید کتابخانه‌ها را بصورتی ایجاد و اداره کرد که هرکس مطمئن‌ترین و ثروتمندترین کانون دانش و اطلاعات را در آنجا بیابد و برای برآوردن نیازهای فکری خود محتاج به روی آوردن به جاهای دیگر که احیاناً مضراتی هم دارد نباشد.

البته آنچه گفته شد از جمله منوط بر استقرار نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور است که متأسفانه جای خالی آن منشأ زیانها و مشکلات فراوان شده است. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی به استناد وظایف قانونی خود، پیگیری این مهم را از اساسی‌ترین وظایف خود می‌داند تا انشاء... ضمن تقویت همه مراکز هسته‌های تولید اطلاعات و اشاعه آن هم این مراکز و هم مردم بتوانند در چارچوب یک نظام مشخص و تعریف شده کار خود را انجام دهند و جلو بسیاری از تکرارها و مهمتر از آن، سردرگمی‌ها و بلا تکلیفی‌ها در آن صحنه گرفته شود.

— چه پیشنهادی برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی دارید؟

— کتابخانه‌های عمومی نیز در جای خود وقتی که به یاری حق نظام ملی اطلاع‌رسانی شناخته و مستقر شد می‌توانند از جمله قوی‌ترین بازوهای این نظام و برآورنده نیازهای مطالعاتی، فکری و تحقیقی جامعه باشند.

به هر حال توسعه فرهنگی بدون ایجاد و گسترش و تقویت پایگاه‌های فرهنگی در جامعه، خیالی بیش نیست و کتابخانه همیشه و همه جا از مهمترین پایگاه‌های نشر دانش و فرهنگ و هنر و انتقال آنها و زمینه‌ساز آفرینش‌های فکری و علمی و ذوقی بود و خواهد بود.

آنچه را که در ختم مقاله شایان ذکر می‌دانم این است که نباید در

باب توسعه و تقویت کمی و کیفی کتابخانه‌ها همه انتظارات از دولت باشد، گرچه دولت و نظام ملی نباید لحظه‌ای از خطرات مهیبی که در اثر عدم توجه به امور فرهنگی در برنامه ریزی و توسعه، و مجزا و مجرد کردن توسعه اقتصادی از توسعه فرهنگی در کمین جامعه است غافل بماند و طبعاً انشاء... نسبت بودجه فعالیت‌های فرهنگی و هنری با کل بودجه برنامه پنجساله دوم باید به نفع فرهنگ و دانش و آموزش و پژوهش تغییر جدی کند، زیرا آنچه در برنامه پنجساله اول بخصوص در فصل و بخش فرهنگ و هنر بود بسیار ناچیز و در برابر نیازها و ضرورت‌های موجود در جامعه ناکافی بود اما نمی‌توان همه بارها را در صحنه فرهنگ بردوش دولت گذاشت.

ایجاد کتابخانه عمومی و توسعه آن باید از اهم مصادیق خدمات شهری به حساب آید و باید سنت‌های ارزنده وقف و انفاق و خیرات و میراث به سوی ایجاد مراکز فرهنگی و اجتماعی از جمله کتابخانه سوق داده شود. این امور مورد توجه دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌ها و بعضی مراکز هم بوده است و نا آنجا که می‌دانم گام‌های درخور تقدیری برداشته شده است.

دکتر محمدحسین دیتانی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران (اهواز)

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— رسالت کتابخانه عمومی برقراری ارتباط مؤثر میان افراد جامعه و منابع مکتوب فرهنگی و علمی است به نحوی که افراد جامعه بتوانند با بهره‌وری مداوم از منابع به این مقاصد دست یابند: نگرش‌های مثبت اجتماعی، الگوهای مطلوب رفتاری، شرایط مناسب اقتصادی، ادراکات شایسته فرهنگی، کسب مهارت‌های مورد نیاز سنین و زمانهای مختلف و گذراندن پرمعنی و لذت بخش اوقات فراغت.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— فرهنگ، تراکم اجتماعی تجربیاتی است که به وسیله آن مردمان هر نسل تمامی آنچه را که گذشتگان آنها در طول زمانی دراز آموخته‌اند، لااقل به طور بالقوه دارا هستند؛ یا مجموعه تجربیات، دانشها، ذوقیات، اندیشه‌ها، احتیاجات و روشهای زندگی یک ملت در طول زمان و در دوره‌های گوناگون شکست و پیروزی فرهنگ آن ملت نامیده می‌شود.

با توجه به این تعریف، عبارت توسعه فرهنگی دو مورد زیر را به ذهن می‌آورد:

الف. توسعه فرهنگی عبارت است از: تجهیز همه افراد جامعه، اگر نه به تمامی فرهنگ بومی بلکه به حد مطلوبی از فرهنگ بومی. به بیانی دیگر توسعه فرهنگی عبارت است از نشاء بذر فرهنگ بومی در تک تک افراد جامعه و تلاش در رشد و

پرورش این بذرها آنجا که امکانات خدادادی هر فرد میسر می‌سازد.

ب. توسعه فرهنگی عبارت است از فراهم آوردن شرایط تعامل مطلوب بین فرهنگ بومی و فرهنگ غریبومی به منظور دستیابی به فرهنگی غنی‌تر و پربارتر که کیفیت مادی و معنوی زندگی را با شدت و شتابی بیشتر از گذشته به پیش می‌برد.

**— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد آن نقش چیست و چگونه متجلی می‌شود؟**

— بخش اعظم محتوی فرهنگ بومی و فرهنگ غریبومی ادوار گذشته و حال به گونه‌ای قابل مطالعه و بررسی بر مادی تکثیر پذیر و قابل انتقال ضبط شده‌اند و برای استفاده در محلهای خاصی، اکثراً کتابخانه‌ها، نگهداری می‌شوند.

حال چنانچه توسعه فرهنگی را تجهیز همه افراد جامعه با فرهنگی بومی در سطحی مناسب با زمان بدانیم، تنها کتابخانه عمومی است که به گونه‌ای سنتی و رسمی با فراهم آوری، سازمان‌دهی و اشاعه ابزارهای زندگی غنی ساز فرهنگ به تجهیز افراد جامعه می‌پردازد.

به بیانی دیگر چون کتاب در مفهوم عام آن افزارواره‌ای اجتماعی برای حفظ حافظه ملی یا فرهنگ است و چون کتابخانه عمومی سنتی‌ترین و رسمی‌ترین نهاد اجتماعی برای انتقال این حافظه به شعور همه افراد در قید حیات است، لذا بین توسعه فرهنگی و رسالت کتابخانه عمومی پیوندی ناگسستنی برقرار است.

از طرف دیگر، چون رسانه‌های جمعی به یاری تکنولوژی شب و روز با فرهنگ‌های غریبومی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار

**● توزیع عادلانه امکانات فرهنگی وظیفه‌ای است که بویژه در دوران هجوم فرهنگی کنونی می‌باید دولت به آن متعهد باشد.**

می‌دهند، لازم است همه افراد جامعه با کیفیتی مناسب به فرهنگ بومی تجهیز شده باشند که بتوانند بین فرهنگ بومی و فرهنگ غریبومی تعامل مطلوب برقرار سازند.

بنابراین تعامل مناسب بین فرهنگها با بهره‌وری مناسب از فرهنگ بومی میسر است و فرهنگ بومی از طریق دسترسی به منابع مکتوب موجود در کتابخانه عمومی و بهره‌وری مناسب از آنها در نهاد هر فرد شکل می‌گیرد و لذا در این مورد نیز بین توسعه فرهنگی و رسالت کتابخانه عمومی پیوندی تنگاتنگ برقرار است.

— برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی لازم است که کتابخانه‌های عمومی امکان دسترسی همه افراد جامعه را به فرهنگ مکتوب فراهم آورند. بخشی از این منابع، که آنها را ضروری‌ترین مجموعه فرهنگی می‌نامیم، می‌باید به سادگی در دسترس هر فرد قرار داشته باشد. یک نسخه از هر یک از روزنامه‌های کثیر انتشار کشور، فرهنگ فارسی معین، دائرةالمعارف شیعه، مجله دانشمند، تاریخ ایران و... مثالهایی از این مجموعه است. هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی می‌باید با همکاری و مشورت افراد باصلاحیت فهرستی از منابعی را که توزیع عادلانه امکانات فرهنگی و علمی بین تک‌تک افراد اجتماع را تضمین می‌کند تهیه کند و طی برنامه‌ای کوتاه‌مدت همه کتابخانه‌ها را به این مجموعه مجهز سازد و امکانات دسترسی ساده و سریع به این مجموعه را یا با ایجاد کتابخانه عمومی، یا با ارسال مرتب و کم فاصله کتابخانه سیار یا اختصاص دادن بخشی از اماکن عمومی محلی به کتابخانه فراهم سازد.

بخش دیگری از منابع فرهنگ بومی و فرهنگ غریبومی که آنها را مجموعه با اولویت دوم به بعد می‌نامیم می‌باید متناسب با نیازهای محلی و با فاصله زمانی معقول در دسترس همه افراد جامعه باشد. انجمن کتابخانه‌ها یا کتابداران هر منطقه می‌باید فهرستی از منابع با اولویت دوم به بعد را شناسایی کنند و برای فراهم آوردن و در دسترس قرار دادن آنها بکوشند.

ساخت مجموعه، محل کتابخانه، نیروی انسانی و امکانات و تجهیزات مورد نیاز موارد بالا به بودجه‌ای قابل توجه نیازمند است و فراهم آوردن این بودجه تلاش و مساعدتی همه‌جانبه می‌طلبد. روشن است که توزیع عادلانه امکانات فرهنگی وظیفه‌ای است که بویژه در دوران هجوم فرهنگی کنونی می‌باید دولت به آن متعهد باشد. در عین حال کتابخانه عمومی نمی‌تواند بدون یاری امکانات محلی نقش فعال خود را در توسعه فرهنگی ایفاء کند. در این مورد، بویژه شهرداریها، می‌باید با اتکاء به اهرمهای قانونی که در دست دارند به یاری کتابخانه‌های عمومی بشتابند و به موازات زیباسازی شهرها، زیباسازی ذهن انسانهای جامعه را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.

محمدحسن رجیبی

مدیر مرکز خدمات عمومی کتابخانه ملی

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— مهمترین وظیفه کتابخانه‌های عمومی، گسترش و تعمیق «فرهنگ عمومی» جامعه از طریق کتابخوانی است.

— برای توسعه فرهنگی چه تعریفی دارید؟

— توسعه فرهنگی به مفهوم عام به معنای ارتقاء و افزایش